

Backgrounds and factors of expansion of Shia Imamieh in Keshmir

Mohammad Maqbool Hajam ¹ | Hossein Abdulmohammadi ² | Nasser Bagheri Bidhandi ³

(DOI): [10.22034/mte.2024.18310.1812](https://doi.org/10.22034/mte.2024.18310.1812)

Abstract

Original Article

P 69 - 88

"Keshmir" is a disputed territory between India and Pakistan, where Islam and Shia religions have been introduced since the beginning of the 8th century AH and have been welcomed by its people. The tendency towards Imami Shiism in different parts of this land has always been increasing and over time, the Imami Shia religion has gained strong foundations in this geographical point. The main problem that this research seeks to solve is to investigate the grounds and factors of the spread of Shia Imamieh in the Keshmir region. The optimal use of its capacities in order to spread the knowledge of the Quran and the Ahl al-Bayt and to expand the Imamieh Shia religion depends on the discovery and explanation of the historical background of Islam and Shiism in this region. Therefore, the present article has tried to investigate this issue by using the method of description and analysis. The findings of the research have shown that the esoteric and Sufi orientation of the people of Keshmir was the main reason for their orientation towards Islam and Shiism, and the following factors played a major role in the expansion of Shiism in this place: the religious, scientific and cultural activities of missionaries and Sufis, the government Shiite rulers, the Islamic Revolution of Iran and the activities of a new generation of scholars trained in Qom and Najaf.

Key words: Shia Imamieh, causes and factors of expansion, Keshmir.

1 - Ph.D. student of Ahl al-Bayt History, Islamic History, Sirah and Civilization Complex, Al-Mustafa International University, Qom, India. Mohammad_MaqboolHajam@miu.ac.ir.

2 - Department of History of Ahl al-Bayt, Islamic History, Sirah and Civilization Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. hosein_abdolmohamadi@miu.ac.ir

3 - Department of History of Ahl al-Bayt, Islamic History, Sirah and Civilization Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Nasser_BagheriBidhandi@miu.ac.ir

Received: 2024/04/30 | Accepted: 2024/08/07



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

زمینه ها و عوامل گسترش شیعه امامیه در کشمیر

محمد مقبول حجام^۱ | حسین عبدالحمیدی (نویسنده مسئول)^۲ | ناصر باقری بیدهندی^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/mte.2024.18310.1812](https://doi.org/10.22034/mte.2024.18310.1812)

علمی - پژوهشی

ص: ۸۸/۶۹

چکیده

«کشمیر» سرزمینی است مورد منازغه میان هند و پاکستان که دین اسلام و مذهب تشیع از اوایل قرن هشتم هجری قمری در آن راه یافته و با استقبال مردمان آن مواجه شده است. گرایش به تشیع امامی در نقاط مختلف این سرزمین، همواره رو به فزونی بوده و به مرور زمان، مذهب شیعه امامیه پایه های محکمی در این نقطه جغرافیایی به دست آورده است. مساله اصلی که این پژوهش به دنبال حل آن است، بررسی زمینه ها و عوامل گسترش شیعه امامیه در منطقه کشمیر است. استفاده بهینه از ظرفیت های آن در جهت نشر معارف قرآن و اهل بیت (ع) و گسترش بیش از پیش مذهب شیعه امامیه، منوط به کشف و تبیین پیشینه تاریخی اسلام و تشیع در این خطه است. از این رو، مقاله حاضر کوشیده است با بهره گیری از روش توصیف و تحلیل، به بررسی این موضوع اهتمام ورزد. یافته های تحقیق نشان داده است که گرایش باطنی و صوفیانه مردم کشمیر، زمینه اصلی گرایش آنان به اسلام و تشیع بوده و عوامل زیر، در گسترش تشیع در این مکان نقش اساسی داشته است: فعالیت های دینی، علمی و فرهنگی مبلغان و صوفیان، حاکمیت حاکمان شیعی، انقلاب اسلامی ایران و فعالیت های نسل جدیدی از عالمان تربیت یافته در قم و نجف.

واژگان کلیدی: شیعه امامیه، علل و عوامل گسترش، کشمیر.

۱ - دانشجوی دکترای تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص)، قم، ایران.

mohammad_maqbool_hajam@miu.ac.ir

۲ - گروه تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص)، قم، ایران. (hosein_abdolmohamadi@miu.ac.ir)

۳ - گروه تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص)، قم، ایران. (Nasser_Bagheri_Bidhandi@miu.ac.ir)

مقدمه

سرزمینی که امروزه به نام «کشمیر» مشهور است، از جمله مناطقی است که اسلام و تشیع از طریق فعالیت‌های فرهنگی و علمی در میان مردمان آن نفوذ یافته است. این منطقه، به لحاظ جغرافیایی، از موقعیت ممتازی برخوردار است و مردم آن به دلیل گرایش‌های صوفیانه، تمایل و علائق ستودنی به اسلام نشان داده و با آغوش باز به استقبال این آیین رفته‌اند.

تا زمانی که رسول خدا (ص) در قید حیات بود، انشعاباتی در میان مسلمانان پدید نیامده بود و همه به عنوان پیروان اسلام شناخته می‌شدند، اما پس از رحلت آن حضرت، فرقه‌ها و مذاهب مختلفی پدید آمد که هر کدام خودش را منتسب به اسلام می‌دانستند. بی‌تردید مذهب شیعه امامیه به عنوان اصلی‌ترین قرائت از اسلام ناب، همواره مسیر دشواری را برای حفظ و گسترش خود در میان اقوام، ملیت‌ها و سرزمین‌های مختلف پیموده است. از جمله مناطقی که از سده‌های دور، شیعه امامیه در آن راه یافته است، منطقه کشمیر است که به طور طبیعی، نفوذ تشیع در آن، از زمینه‌ها و عواملی برخوردار بوده است. بررسی این زمینه‌ها و عوامل به منظور کشف پیشینه‌ی تاریخی تشیع در این سرزمین و بهره‌گیری بهتر از ظرفیت‌های موجود در آن برای زمان حال و آینده، اهمیت و ضرورت جدی دارد. پژوهش حاضر، درصدد است با استفاده از روش توصیف - تحلیل، مساله اصلی تحقیق؛ یعنی زمینه‌ها و عوامل نفوذ و گسترش تشیع امامی در این خطه جغرافیایی را بررسی نماید.

۱. پیشینه

کشمیر به خاطر وضعیت سیاسی و جغرافیایی در ۵۰ سال اخیر، مورد توجه پژوهش‌گران و مورخان قرار گرفته است. تا کنون شماری کتاب، پایان‌نامه و مقاله درباره تاریخ، جغرافیا، حاکمان، اوضاع سیاسی و تاریخ ورود اسلام به کشمیر نوشته شده است؛ از جمله پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها:

۱- تاریخ شیعه در کشمیر هندوستان، نوشته سیدمحمد موسوی نجفی؛

۲- تاریخ شیعیان کشمیر، غلام محمد متو؛ وضعیت کشمیر؛

۳- تاریخ شیعیان کشمیر، حکیم غلام صفدر همدانی؛

۴- واقعات کشمیر، خواجه محمد اعظم ددَمری کشمیری؛

۵- نگارستان کشمیر، نوشته قاضی ظهور الحسن؛

۶- آئینه تاریخ کشمیر، اثر محمد امین خان؛

۸- شباب کشمیر، اثر محمدالدین فوق کشمیری؛

هم‌چنین چند مقاله درباره کشمیر نوشته شده است، از جمله:

- ۱- «نقش میرشمس‌الدین عراقی در ترویج تشیع در کشمیر»، غلام محمد متو؛
 - ۲- «نقش کارگزاران ایرانی شیعه در تحولات تمدنی»، فاطمه جان احمدی و احمد رضا بهنیا؛
- کتابی و مقاله‌ای درباره زمینه گسترش تشیع امامیه نوشته نشده است. با توجه به جست‌وجویی که انجام شد، مقاله جامعی درباره زمینه‌ها و عوامل گسترش شیعه امامیه در کشمیر و ارایه زمینه عوامل ویژگی این تحقیق است.

۲. مفهوم شناسی

واژه شیعه در لغت به معنای پیروان و یاران است. (ابن فارس، ۱۴۲۲: ج ۳، ۲۳۵: قرشی، ۱۳۱۷: ج ۴، ۹۵) ابن منظور در معنای شیعه می‌نویسد: «شیعه به معنای گروهی است که بر چیزی گردآمده باشد و هرطایفه‌ای که بر چیزی گردهم آیند شیعه هستند و هرطایفه‌ای که برکاری گرد آیند و از نظر یک دیگر پیروی کنند شیعه خوانده می‌شوند.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۷۷: فیومی، ۱۴۰۵: ۳۲۹)

اما شیعه در اصطلاح فقیهان و متکلمان دوره‌های پیشین و پسین بر پیروان علی^(ع) و فرزندان او اطلاق می‌شود. (ابن خلکان، ۱۹۸۴: ۱۹۶) به گفته شهرستانی، شیعه به کسانی گفته می‌شود، که تنها از علی^(ع) پیروی می‌کنند و قایل به امامت منصوص او هستند و او را وصی می‌دانند. (شهرستانی، بی‌تا: ج ۱، ۱۳۰) شیخ مفید در تعریف اصطلاحی شیعه می‌نویسد: «اگر لفظ همراه با «ال» تعریف به کار رود، ناگزیر به کسانی اختصاص دارد، که به ولایت و امامت بلافصل [امام] علی^(ع) پس از پیامبر اکرم^(ص) و نفی امامت از کسانی که در خلافت بر او پیشی گرفتند، باور دارند. (مفید، ۱۳۳۰: ۴۲)

در این مقاله مراد از شیعه، کسانی است، که امامت و ولایت بلافصل ائمه اطهار^(ع) را باور دارند، که در اصطلاح به آن‌ها شیعه امامیه گفته می‌شود.

درباره مفهوم شناسی و نام‌گذاری کلمه «کشمیر»، مورخان توضیحات مختلفی ارایه کرده‌اند که خلاصه آن چنین است: در زمان‌های بسیار قدیم قومی به نام «کاش» یا «کش» در این منطقه زندگی می‌کرده است. بخش دوم این کلمه یعنی «مر» به معنای کوه یا دره یا وادی بوده است. گویا نام اصلی این ناحیه «کاش مر» یا «کش مر» یعنی وادی کاش‌ها یا کش‌ها بوده که بعدها به مرور زمان به صورت کاشمر، کشمر، کاشمیر، کشمیر یا با حذف میم به صورت کاشر یا کشیر در آمده است. بنابراین، کلمه کشمیر، ترکیبی از «کاش» و «میر» است. (رادفر، ۱۳۸۵: ۱۵؛ اصغر، ۱۳۸۷: ۴۸)

اما به لحاظ وضعیت جغرافیایی، کشمیر در دامنه کوه‌های پربرف هیمالیا (نام کوه) قرار دارد.

مرغزارهای سرسبز، کشتزارهای زعفران، دریاچه‌های آرام، باغ‌های خوش و آب هوا، چنارهای با شکوه، چشمه سارها و آبشارها، همواره الهام‌بخش ادیبان و شاعران این سرزمین بوده‌است و به سبب زیبایی کشمیر، پادشاهان مغول آن را بهشت روی زمین گفته‌اند. کوه‌های که گرداگرد این سرزمین چون حصاری کشیده شده‌اند. قله‌های کوه از برف پوشیده، دره‌های زیبا و دریاچه‌های پرآب مناسب برای ماهی‌گیری همراه مکان‌های تاریخی، مذهبی و معماری و زیبایی بناها، هر سال هزاران جهان‌گرد را از نقاط مختلف دنیا به طرف خود جلب می‌کند. با این‌که ارتفاع وادی کشمیر از سطح دریا بین ۱۵۸۵ یا ۱۸۲۹ متر است، ولی هوای آن مانند مناطق کوهستانی سرد نیست. در واقع کوه‌های بلند و مرتفعی که دور تا دور منطقه را فرا گرفته‌اند، آن را از هوای سرد شمالی و باد تند و سوزان جنوبی محفوظ می‌دارند. (ناصری، ۱۳۸۰: ۲۱ - ۲۲)

به لحاظ موقعیت جغرافیای سیاسی، کشمیر در قلب آسیا واقع شده‌است؛ از شمال و شرق با چین، از شمال غربی با افغانستان، از غرب با پاکستان و از جنوب با هند مرز مشترک دارد و مساحت کشمیر و جامو همان‌طور که در (۱۵ اوت ۱۹۴۷ م) نشان داده شده‌است، ۲۲۲۸۸۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. این سرزمین از شمال به جنوب ۶۴۰ کیلومتر و از شرق به غرب ۴۸۰ کیلومتر طول دارد. پس از بروز جنگ میان هند و پاکستان بر سر آینده کشمیر در ژانویه ۱۹۴۷ م، یک خط آتش بس در کشمیر به وجود آمد که به تجزیه جغرافیایی آن منجر شد. کشمیر هند منطقه‌ای به وسعت ۱۳۸۹۹۲ کیلومتر مربع است، در حالی که کشمیر پاکستان ۸۳۷۸۷ کیلومتر مربع وسعت دارد. مرز چین با کشمیر تحت سلطه پاکستان، ۶۰۰ کیلومتر طول دارد (حسین، ۱۳۷۲: ۱۱-۱۲) و مساحتی برابر ۳۷۵۵۵ کیلومتر مربع، از مناطق لداخ واقع در شمال شرقی سرزمین نیز در جنگ (۱۹۶۲ م) به اشغال چین در آمده‌است و بعدها پاکستان نیز مساحتی برابر ۵۱۸۰ کیلومتر مربع در اختیار چین قرار داده‌است. (ناصری، پیشین: ۲۳) در مجموع می‌توان گفت: کشمیر از سه منطقه تشکیل شده‌است، که منطقه شمال شرقی در اختیار چین، شمال غربی در اختیار پاکستان و مناطق دیگر نیز، در اختیار هند قرار دارد. (همان، ۲۴) کشمیر در حال حاضر مشتمل بر شش منطقه است که سه منطقه آن، تحت کنترل هند، دو منطقه‌اش تحت کنترل پاکستان و یک منطقه تحت کنترل چین است. بخش هندی با عنوان «ایالت جامو و کشمیر» به مرکزیت «سرینگر»، بخش پاکستانی در شمال؛ «مناطق شمالی» به مرکزیت «گیلگیت» و در غرب؛ «کشمیر آزاد» به مرکزیت «مظفر آباد» و بخش چینی با نام «اکسای چن» شناخته می‌شود.

۳. ورود اسلام و تشیع در کشمیر

پیشینه‌ی تاریخی کشمیر، در دوره‌ی قبل از اسلام چندان روشن نیست؛ آن را آمیزه‌ای از افسانه و حقیقت رقم زده است. افراد و خانواده‌هایی چون: مهاراجه آشوک، نوه‌ی گوپتاموریا – معاصر اسکندر و سلوکوس – و سپس خانواده‌ی «کشان» هردو معتقد آیین بودایی و ترویج کننده‌ی آن بوده‌اند. هم‌چنین راجه‌ی «بهیمان» با دین برهمنی و برخی راجه‌های دیگر، با آیین‌هایی متفاوت از دو کیش بودایی و برهمنی چون: مارپرستی و... در کشمیر حکومت کردند. (آفتاب اصغر، ۱۹۹۲: ۴۹) در اواسط سده‌ی سوم میلادی، دین بودایی وارد ولایت کشمیر شد و این خطه، بزرگ‌ترین مرکز دین مزبور در شبه قاره گردید. به گفته «مکمل تاریخ کشمیر» حاکمان کشمیر شامل سه دوره بوده‌اند:

۱. از دوره قدیم خاندان هندو تا دوره حاکمان مسلمان، به مدت ۴۵۰۴ سال حکومت کردند.
۲. از دوره مسلمانان تا دوره سکه یعنی از تاریخ (۷۲۵ تا ۱۲۳۴ق) به مدت ۴۹۴ سال حکمرانی کردند.
۳. از دوره سکه تا سادات و عالمان کشمیر به مدت ۲۷ سال از تاریخ ۱۲۶۲ تا ۱۳۳۴ق، فرمان روابی کردند. (فوق، ۲۰۱۴: ۳، ۳۱۰، ۶۴۰)

تغییر اساسی از هندویسم به اسلام در کشمیر به شکلی آرام و مسالمت‌آمیز از طریق ایمان و ارشاد به دین جدید صورت گرفت، نه جنگ‌های خونین. مسلمانان در اوایل قرن هشتم پس از فتح سن و جنوب پنجاب توجه خود را به کشمیر معطوف داشتند. پادشاهان هندو در اوایل قرن هشتم توانستند با موفقیت تلاش‌های را که برای فتح کشمیر صورت گرفت خنثی سازند، اما فتح سند به‌وسیله مسلمانان به طور بنیادی به شکل غیرمستقیم بر کشمیر تأثیر گذاشت و برای اولین بار مردم کشمیر و پیروان اسلام را در تماس با یک‌دیگر قرار داد. پس از آن که «راجاداهیر» در سند از مسلمانان شکست خورد «جایی سی یا» پسرش به کشمیر پناه برد.

او با یک مسلمان سوری به نام «حمیم» همراه بود که گفته می‌شود اولین مسلمانی است که پا به سرزمین کشمیر گذاشت. حمیم به‌سرعت به تبلیغ دین اسلام میان آشنایان و دوستان شروع کرد که به ارتباط صمیمانه بین مردم این منطقه و پیروان اسلام منجر شد. پادشاه کشمیر، زمینی را به حمیم و هم‌کیشان او داد، تا در آن جا زندگی کنند. این زمین «مال چمار» خوانده می‌شد که در منطقه «آلی کدل» در سرینگر واقع بود و تا امروز به این نام مشهور است. شاه «هارشا» تعداد زیادی ترک مسلمان را در ارتش خود به کار گرفت. «بیک ساکارا» سربازان مسلمان را استخدام کرد و آن‌ها را در یک لشکرکشی نظامی، به پونچ و رجوری فرستاد. به گزارش «مارکوپولو»ی جهان‌گرد. مسلمانان قبل از پایان قرن سیزدهم در کشمیر، ساکن شده بودند. او می‌نویسد: «مردم کشمیر پرندگان و حیوان‌ها را

نمی‌گشتند و اگر می‌خواستند گوشت بخورند، از مسلمانانی که بین شان زندگی می‌کردند می‌خواستند نقش قصاب (ذبح کننده) را ایفا کنند». این مدارک ثابت می‌کند سال‌ها قبل از به قدرت رسیدن «رینچن» در اوایل قرن چهاردهم بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم کشمیر، به اسلام گرویدند. (حسین، پیشین: ۴۰)

۴. عوامل گسترش تشیع در کشمیر

آشنایی مردم هند با اسلام، ابتدا از طریق مهاجران و سیاحان عرب بوده است. جواهر لعل نهرو می‌گوید: «عرب‌های مسلمان، به هند رفت و آمد داشتند؛ در این جا مساجدی می‌ساختند و گاهی دین شان را تبلیغ می‌کردند و حتی بعضی اوقات کسانی هم به دین ایشان می‌گرویدند و معتقد می‌شدند. چنین به نظر می‌رسید که در آن زمان، هیچ نوع مخالفتی با مذهب جدید وجود نداشت و تصادم و برخوردی میان دین هندو و اسلام پیش نمی‌آمد.» (نهرو، ۱۳۸۳: ۱۲ و ۳۱۱) سال‌ها طول کشید، تا تشیع توانست با مهاجرت و مسافرت - انفرادی یا جمعی - نفوذ کند و بازرگانان مسلمان که در سده هشتم در سواحل غربی هند سکونت گزیده بودند، به دنبال تجارت به داخل هند راه یافتند؛ اما هنوز اکثریت آنان در مناطق ساحلی می‌زیستند و مورد استقبال و احترام بودند. (تاپار، ۱۳۸۶: ج ۱، ۴۳۳) به گفته‌ی جواهر لعل نهرو: «مسافران، سیاحان و بازرگانان عرب از نواحی مختلف هند دیدن کردند. تعداد زیادی دانشجویان عرب به دانشگاه تاکسیلا در شمال هند آمدند که مخصوصاً به خاطر علوم پزشکی مشهور بودند.» (نهرو، پیشین: ۳۱۰)

اما در خصوص تشیع، آن‌چه مورخان بر آن اتفاق نظر دارند، این است که ظهور تشیع با چهره‌ی آشکار خود در هند، از شهر گجرات آغاز شد. عامل اصلی ظهور تشیع در این نقطه، روابطی بود، که میان عرب‌ها و هندی‌ها در دوران جاهلیت وجود داشت؛ وقتی خورشید اسلام در جزیره‌ی العرب طلوع کرد، این روابط برقرار ماند و رشته‌ی آن، با برافراشته شدن پرچم تشیع در هند استوارتر گشت (مظفر، ۱۳۸۴: ۳۲۰) و تبلیغ اسلام به وسیله جهان‌گردان و بازرگان آغاز شد و با سفر روحانیان و صوفی‌ها از ایران و آسیای مرکزی که بعدها به کشمیر آمدند، تحرک بیش‌تری یافت. (همان، ۱۳۷۲: ۴۰)

از این جهت برای گسترش اسلام و تشیع در منطقه کشمیر، تاریخ‌نویسان عوامل زیادی را در کتاب‌های شان ذکر کرده‌اند که در ادامه به بررسی برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

۱.۴. مبلغان و صوفیان

نخستین مبلغان با مشرب‌های صوفیانه، تشیع را رونق خاصی در منطقه کشمیر بخشیدند که در

زیر به اسامی و گزیده‌ی از فعالیت‌های آنان اشاره می‌شود:

۱. سید شرف‌الدین موسوی

طبق نقل بعضی از مورخان، اولین مبلغ اسلام و تشیع در کشمیر، سید شرف‌الدین موسوی مشهور به بلبل شاه و از ترکستان بود. وی در عصر سلطنت سوهادوا (۱۳۲۰-۱۳۰۱ م / ۷۲۵ ق) وارد کشمیر شد و مهم‌ترین تغییر مذهبی که بلبل شاه موجب آن شد، مسلمان شدن رینچن بود که هنگام دستیابی به تاج در سال (۱۳۲۰ م / ۷۱۹ ق) هنوز یک یودایی بود. حمایت سلطنت از اسلام که با گرویدن رینچن حاصل شد، موجب گردید عده زیادی دیگر نیز، دین خود را تغییر دادند. گفته می‌شود پس از اسلام آوردن رینچن بیش از ده هزار هندو به دین بلبل شاه پیوستند. او اولین حکمران مسلمان کشمیر بود که به نام صدرالدین (۱۳۲۰-۱۳۲۳ م / ۷۱۹-۷۲۲ ق) بر این کشور حکومت کرد. (حسین، پیشین: ۴۱)

۲. سیدعلی همدانی

وی در سال (۷۱۳-۷۸۶ ق / ۱۳۱۳-۱۳۴۸ م) در همدان به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر با هفده واسطه به امام حسین^(ع) می‌رسد (تاریخ احسن: ۱۱) او برای تبلیغ دین مبین اسلام در آن ناحیه راه پیدا کرده بود. در مهاجرت او به کشمیر نویسندگان دوگونه اظهار نظر کرده‌اند: یکی این که سید به میل خودش و دستور غیبی برای خدمت به دین اسلام به کشمیر رفته است. دیگری این که در نتیجه برخورد با امیر تیمور لنگ گورکانی و تهدید او به آنجا مهاجرت کرده است. (ریاض، ۱۳۷۰: ۳۸) لقب او در کشمیر، «امیر کبیر»، «شاه همدان» و «میر» بوده است و مریدان، او را علی ثانی می‌گفتند. او در سن ۷۳ سالگی از دنیا رفت. (ناصری، ۱۳۷۹: ۳۸)

اقدامات سیدعلی در کشمیر عبارت بود از: الف. اعزام مبلغان به مناطق مختلف؛ ب. کارهای اقتصادی و هنری مانند قالی بافی، شال بافی و پشمینه‌سازی؛ ج. ترویج فرهنگ اسلامی و ایرانی. دکتر صوفی در کتاب کشمیر خود می‌نویسد: «شال بافی را سید در کشمیر رواج داد و غیر از این، کارهای بسیاری؛ از جمله صنعت کاری و معماری را رونق بخشید و فعالیت‌های فرهنگی چشم‌گیری را به انجام رساند. به این سبب کشمیر را ایران صغیر می‌گویند» (همان، ۳۸)؛ د. ترویج و اجرای قوانین و احکام شرعی. به‌عنوان مثال، شخصی به‌نام سید قطب‌الدین به دلیل جهل از حکم شرعی، با دوخواهر ازدواج کرده بود. سیدعلی همدانی، عقد یکی از آن‌ها را منسوخ اعلام کرد (دیدم‌ری، ۲۰۰۲: ۸۷؛ فوق، ۲۰۱۴: ۳۳۲)؛ ه. توسعه زبان فارسی در این خطه؛ ز. تاسیس کتاب‌خانه و دارالقرآن. (ریاض، پیشین: ۵۹)

۳. سید محمد مدنی (متوفای ۸۴۹ق / ۱۴۴۵م)

وی از اهالی مدینه طیبه بود. به همین خاطر او را مدنی می‌گفتند. او اولین بار در سال (۷۹۶ق / ۱۳۹۳م) و در دوران حکومت سکندر وارد کشمیر شد (حسن شاه، ۲۰۰۲م: ج ۱، ۱۱۳۱) بعد از مدتی ایشان برای انجام کاری به ماوراءالنهر رفت و وقتی برگشت خانواده خودش را نیز به کشمیر آورده و منطقه مالموه پرگنه بآنگل (در غرب ۳۰ کیلومتری سرینگر پایتخت کشمیر) را برای زندگی انتخاب کرد. او برای تبلیغ و ترویج مذهب شیعه تلاش فراوان کرد و توانست تعداد زیادی را به تشیع راهنمایی کند. او علاوه بر علم، از کمالات روحانی و عرفانی هم برخوردار بود. وقتی که سلطان سکندر از شایستگی علمی و کمالات روحانی و عرفانی او با خبر شد، از سید محمد تقاضا کرد: در نزدیکی ایشان سکونت گزیند. وی در نزدیکی قصر خود در نوشهر سرینگر ساختمانی برای سید محمد مدنی ساخت و برای مراجعان و خادمان او نیز عبادت‌گاهی به نام خانقاه ساخت. (همدانی، بی تا: ۱۵)

ایشان در میان عالمان وقت خود، فاضل‌ترین شخصیت در کشمیر به شمار می‌آمد و سلطان سکندر نسبت به ایشان احترام فوق‌العاده‌ای قایل بوده. سیدمحمد در سرینگر در سال (۸۴۹ق / ۱۴۴۵م) از دنیا رفت و در محل مدین صاحب به خاک سپرده شد و آن‌جا تا امروز به‌خاطر مرقد ایشان به نام «مدین صاحب» مشهور است. سلطان زین‌العابدین بر مرقد او یک زیارت‌گاهی ساخت. در کنار این زیارت‌گاه مسجد و حمام نیز بنا کرد و امروز تمام مردم کشمیر برای زیارت مرقد ایشان از دور و نزدیک می‌آیند و علی مردان و فرزندش ابراهیم خان در دوران حکومت خود دوباره زیارت‌گاه ایشان را بازسازی کردند. (همان)

۴. سیدحسین رضوی قمی

او برای ترویج اسلام و تشیع به کشمیر مسافرت کرد و در همان‌جا ساکن شد. وی در سال (۸۲۱ق / ۱۴۱۸م) از طریق پاکستان کنونی وارد کشمیر شد و «اچه بل» سوپور را برای سکونت اختیار کرد. ایشان مثل اجداد، در میان علم و روحانیت به کمالاتی رسیده بود. از این‌رو، سلطان زین‌العابدین شیفته‌ی او گردید و از علم او بهره کافی برد. سلطان زین‌العابدین «باغ زینه‌گیر» در پرگنه سوپور کشمیر را به‌طور هدیه به سید قمی بخشید. ایشان حدود ۵۰ سال به ترویج اسلام و نشر مذهب اهل‌بیت^(۴) در کشمیر تبت، بلستان کرگل و لداخ مشغول بود. سیدحسین قمی، علاوه بر علم و اخلاق، کرامات زیادی را در کشمیر نشان داد. سلطان به‌خاطر علاقه‌ای زیادی که به سید داشت، در تشیع و تدفین او شرکت کرد و بر مزار او بنایی ساخت که هم اکنون زیارت‌گاه صدها هزار عاشقان

اهلبیت^(ع) قرار گرفته است.

او دو پسر به نام حاجی محمدسعید و آقا سیداحمد داشت. حاجی محمدسعید از این جا به مقام احمد پوره ما گام واقع در ۳۰ کیلومتری در غرب سرینگر رفت و در همان جا چشم از جهان فرو بست و مرقد او نیز مرجع خاص و عام است، که مردم برای گرفتن حاجت به آن جا مراجعه می کنند و سادات احمد پوره از نسل همین آقای حاجی محمد سعید هستند. (محمدالدین، ۲۰۰۲م: ج ۱، ۱۶۹) وی در روز هفت شعبان در سال ۸۷۱ هجری، از دنیا رفت. (کشمیری حسینی، بی تا: ۸۵) شمس العلماء مولانا سیدعلی حائری مجتهدالعصر از ذریه ی همین آقای حاجی محمدسعید بوده است و در پنجاب زندگی می کرد. هم چنین یک شخصیت برجسته ای به نام سیدحسین رضوی، از ذریه آقا سید احمد، در قرن ۲۰م، بروز کرد که مقام و جایگاهی که ایشان در حکومت دو گروه داشتند به غیر از او نصیب هیچ کس دیگری نشد. او نخستین مسلمانان در کشمیر است که علاوه بر علوم عربی و فارسی، درس آکادمی انگلیسی هم فرا گرفته است و در ۲۵ سالگی به نیابت وزارت کشور دست یافت. (محمدالدین پیشین: ج ۱، ۱۷۱)

سلسله سادات رضوی از دودمان سیدحسین قمی در طول تاریخ، عالمان بزرگ را به جامعه تحویل داده است، که به تبلیغ و ترویج دین اسلام و مذهب اهلبیت^(ع) در کشمیر و دیگر نقاط جهان پرداختند. عارفان نامدار مانند آیت الله سیدمرتضی کشمیری علم الهدی، آیت الله سیدعبدالکریم کشمیری، آیت الله سیداحمد کشمیری، آیت الله سید عبدالرسول، حاج سیدحسن رضوی و حجت الاسلام والمسلمین سیدصادق حسین رضوی، از همین نسل هستند. سلسله ی سادات رضوی در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز حامی جدی نهضت امام خمینی^(ع) در کشمیر بوده است. (همدانی، ۲۰۱۴م: ۲۵۱)

۵. ملا عالم انصاری متوفای (۸۹۴ق / ۱۴۸۸م)

هنگامی که سیدحسین قمی وارد کشمیر شد، یاران و همراهانی داشت، که در کشمیر به تبلیغ پرداختند. یکی از همراهان او ملا عالم انصاری بود. او با سید در سال (۸۲۱ق / ۱۴۱۸م) وارد کشمیر شد و نزدیک زینه گیر جایی که سیدحسین قمی ساکن بود، در روستای به نام «علاقه پور» براته سوپور سکونت اختیار کرد. (همدانی، بی تا: ۱۹۱) تشیع در این منطقه به خاطر کردار، اخلاق و سعی و تلاش ملا عالم انصاری رونق یافت. سلطان زین العابدین چون: علم و عالم دوست بود از کمالات، علم و روحانیت ملا عالم انصاری متأثر شد. علاقه زین العابدین به عالمان دین به ویژه سیدحسین قمی و ملا عالم انصاری، در تبلیغ مذهب تشیع، خیلی مؤثر واقع شد. ملا عالم انصاری در سال (۸۹۴ق / ۱۴۸۸م) در منطقه براته، وفات کرد و همان جا به خاک سپرده شد.

در این روستا و دیگر، روستاهای هم‌جوار تمام جمعیت آن‌ها شیعه اثنی عشری بودند، اما در سال (۱۲۸۸ق / ۱۸۷۲م) درگیری شدیدی که بین شیعیان و سنی‌ها اتفاق افتاد که در اثر آن مردم این منطقه که فاصله زیادی به مناطق دیگر شیعه نشین داشتند، در برابر تهاجم و سخت‌گیری اهل سنت ناچار شده‌اند، برای حفظ جان و آبرو خود، تغییر مذهب بدهند یا در تقیه بمانند (همان، ۱۹۱) و در اثر خفقان شدید نتوانسته‌اند، تا آخر عمر حتی نزد فرزندان اظهار عقیده کنند. از این رو، الآن تمام جمعیت این منطقه سنی نشین است.

۶. میر شمس‌الدین عراقی

وی ۱۳ رجب در سال (۸۴۵ - ۹۳۲ق / ۱۴۴۱ - ۱۵۲۵م) در یکی از روستاهای بخش صولغان اراک به نام «گند» در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. اسم اصلی وی سیدمحمد و نام پدرش سیدابراهیم (درویش سیدابراهیم) بود. نسب او با پانزده واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. (کشمیری حسینی، بی‌تا، ۱۰۱) ایشان در سال (۸۸۲ق / ۱۴۷۷م) به کشمیر آمد و تمام عمرشان را در تبلیغ و ترویج تشیع صرف کرد. تا این زمان، تشیع از منطقه آنان و یا از چند روستای دیگر، پا را بیرون نمی‌گذاشت و در همان مناطق محدود می‌ماند و به علت عدم تبلیغ مستمر، شیعیان نیز هم‌چون اهل سنت هیچ تمایزی با هندوها نداشتند، اما با ورود میرشمس‌الدین عراقی، وضعیت شیعیان کاملاً فرق کرد و طولی نکشید که با تلاش و زحمت او مذهب تشیع، مذهب رسمی کشور اعلام شد و در مسجد جامع و در دیگر مساجد کشمیر، خطبه به نام امامان معصوم^(ع) خوانده شد. (مجهول المؤلف، ۱۹۸۲م: ۲۵۶) او با یک برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی شده، در کشمیر برای ترویج اسلام و تشیع، کار خود را ادامه داد، و افزون بر تبلیغ شخصی، مریدان خود را نیز به مناطق مختلف و دور افتاده کشمیر برای تبلیغ اعزام می‌کرد. او در هر محله، روستا، شهر، مساجد می‌ساخت. در نتیجه ۲۴ هزار خانواده هندو با همت ایشان با میل و اختیار خودشان دین اسلام را پذیرفتند. (همدانی، ۲۰۱۴م: ۷۴)

میرشمس‌الدین عراقی در سال (۸۸۲ق / ۱۴۷۷م) از طرف سلطان حسین بایقراای هراتی پادشاه خراسان، به‌عنوان سفیر او با هدایای گران قیمت از جمله جامه‌ی مخصوص سلطان حسین بایقرا نزد حسن‌شاه، پادشاه کشمیر آمد. (حسن‌شاه، پیشین: ج ۱، ۵۲۶) او گرچه به‌عنوان یک سفیر از طرف سلطان حاکم خراسان، به کشمیر آمده بود؛ اما دغدغه اصلی او تبلیغ دین ناب محمدی بود. او علاوه بر یک عالم روحانی، یک روان‌شناس فوق‌العاده بود. هنگامی که او به کشمیر آمد، با مشاهده تمدن و فرهنگ بومی کشمیر به‌ویژه عالمان، دریافت که تصوف در بین مردمان و عالمان کشمیر، یک

جایگاه والا و مقدسی دارد. از این رو، هرکسی که بخواهد در این جا برای پیش برد اهداف دینی قدم بر دارد، لازم است از راه تصوّف وارد شود و در غیر این صورت امکان رسیدن به هدف بسیار اندک است. از این رو، عالمان هم چون: سید حسین قمی، سید محمد مدنی، ملا عالم انصاری که پیش از او به کشمیر آمده اند، چون با تصوّف ارتباطی نداشتند، نتوانستند هم چون میرشمس الدین موفق باشند. میرشمس الدین با نزدیک شدن به جریان صوفیه، به شاگردان شیخ اسماعیل همدانی کبرای، متصوّف برجسته ی آن زمان در کشمیر پیوست. (همان، ج ۱، ۵۲۶) دوستی بین او و شیخ اسماعیل، باعث شد که سلطان حسن شاه پادشاه کشمیر به او لقب و عنوان شیخ الاسلام اعطا کند و از نظر مردم به عنوان صوفی تلقی شود. شیخ اسماعیل آن چنان از علم، فضل، کمالات و ریاضت میرشمس الدین عراقی متأثر شده است، که به گفته نویسنده ی تحفة الاحباب - کتابی جامع و تاریخی که در قرن ۱۰ هـ درباره زندگی میرشمس الدین نوشته شده است - بر دست میر شمس الدین بیعت کرده است. (همدانی، بی تا: ۱۸)

۷. میرسید دانیال (۸۹۵-۹۵۷ق / ۱۴۸۹-۱۵۵۹م)

طبق نظر همه ی مورخان شیعه و سنی، وی فرزند میرشمس بوده است، که در سال ۸۹۵ ق، در سرزمین وحی، مکه معظمه به دنیا آمده است. (الطاف حسین، ۱۳۷۲: ۵۵)

هنگامی که میرشمس الدین در اثر کینه و بغض سید محمد بیهقی از کشمیر به لداخ رفته بود، کار ساخت و ساز خانقاه جدی بل به همراه بابا علی نجار با وجود کم سنی به دوش وی گذاشته شده بود. بعد از به قتل رسیدن سیدمحمد بیهقی، وقتی او برای عرض تبریک نخست وزیر، نزد موسی رینه رفت، موسی رینه با آن که حاکم وقت کشمیر بود، فوراً از جای خود بلند شد و او را جای خود نشاند و تاج خود را بر سر ایشان گذاشت و علاوه بر مسؤولیت ساخت و ساز خانقاه جدی بل اداره خانقاه میر سید علی همدانی را نیز به وی موکول کرد. (مجهول المؤلف، ۱۹۸۲م: ۹۳) او بعد از میرشمس الدین عراقی، کارهای بسیاری برای ترویج تشیع در کشمیر انجام داد تا جایی که جان خود را نیز در این راه از دست داد.

۲،۴. حاکمان شیعه در کشمیر

۱.۲.۴. قطب الدین (۷۸۰ - ۷۹۴ق)

قبیله ها و راجه های هندوهای کشمیر، اول مسلمان نبودند، بلکه بعد از اسلام آوردن، برخی از

آن‌ها شیعه می‌شدند و بر مردم حکومت می‌کردند. یکی از این‌ها قطب‌الدین بود. در عصر حکومت قطب‌الدین (۷۸۰ - ۷۹۹ ق / ۱۳۷۸-۱۳۹۶ م) اسلام در کشمیر به پیش‌رفت بزرگی دست یافت و در زمان او گروهی از سادات به کشمیر آمدند و مردم کشمیر را به گرویدن به اسلام تشویق کردند. (حسین، ۱۳۷۲: ۴۴) با مرگ قطب‌الدین در سال (۷۹۰ ق / ۱۳۸۹ م) اسکندر پسر بزرگ‌ترش، به حکومت رسید و اقدامات او بدین قرار است: ۱. اجرا کردن قوانین اسلام، ۲. عدم استفاده از الکل و مشروبات مستی‌آور، ۳. ممنوعیت رقص زنان و نواختن آلات موسیقی، ۴. ممنوع کردن خودکشی زنان بیوه، ۵. تاسیس بیمارستان و مدارس، ۶. ساختن مسجد جامع بزرگ. در زمان او پسر سیدعلی همدانی، سید محمد همدانی وارد کشمیر شد. (همان، ۴۷)

۲.۲.۴. حکومت زین‌العابدین (۸۲۶-۹۷۸ ق)

زین‌العابدین در سال (۸۲۲ ق / ۱۴۲۰ م) در سن ۱۹ سالگی به حکومت رسید. در زمان او کارهای سازندگی، فرهنگی، عمرانی، تاسیس مدارس، قصرها، پل‌ها به انجام رسید و زبان فارسی زبان رسمی به‌جای سنسکریت جایگزین شد. او حامی علم و دانش بود و علاقه‌ی زیادی به گسترش آموزش و پرورش داشت. در زمان او دانشجویان از کشورهای افغانستان و ترکمنستان جذب شد و مهم‌ترین خدمت او استفاده از کشمیری‌ها در امر تحصیل در مدارس بود. او در سال (۸۷۴ ق / ۱۴۷۰ م) در سن ۶۹ سالگی از دنیا رفت (حسین، پیشین: ۵۲) و بعد از مرگ او در بین شاهزادگان بر سر حکومت اختلاف افتاد، تا این‌که سر انجام به‌وسیله چک‌ها سرنگون شد. چک‌ها اکثریت‌شان، شیعه بودند (همان، ۵۵) و به مدت ۳۲ سال (۹۶۱-۹۹۴ ق / ۱۵۵۳-۱۵۸۵ م) حکومت کردند. (فوق، پیشین: ۳۱۱)

۳.۲.۴. دوره حکومت چک‌ها (۹۶۱-۹۹۴ ق)

دوره چک‌ها که شیعه بودند نیز دوره‌ای استثنایی و طلابی در تاریخ تشیع پرنشیب و فراز کشمیر به حساب می‌آید. آن‌ها تحول عظیمی در این منطقه به‌وجود آوردند. این طایفه در واقع اهل «داردُو» بودند (جایی در شمال کشمیر) که اکنون به اسم «کشن گنگا ویلی» شناخته می‌شود. (فوق، ۲۰۰۲: ۳۹۸) «لنگر چک»، بزرگ این خانواده بود که بر اثر درگیری و اختلاف با پسر عموهای خود با دیگر اعضای خانواده در زمان حکومت سهدیو (۷۰۱-۷۲۰ ق / ۱۳۰۱-۱۳۲۹ م) از داردو به دره کشمیر آمد و منطقه «تره‌گام» در غرب کشمیر را برای سکونت خویش انتخاب کرد. (مجهول‌المؤلف، پیشین: ۲۵۵)

این طایفه که افراد آن در ابتدا سرباز و از خدمت‌کاران دربار بودند، به تدریج در دربار نفوذ یافتند؛ به‌ویژه درگیری شاهزادگان «شه میری» برای به‌دست آوردن حکومت، نفوذ چک‌ها را بیش از پیش

افزایش داد؛ زیرا چک‌ها از توانایی و شجاعت خاصی برخوردار بودند. نفوذ آنان در دربار تا حدی گسترش یافت که می‌توانستند پادشاه را عزل و نصب کنند. سه نفر از چک‌ها به نام «پاوند چک، حسین چکو کاجی چک» که علاوه بر توانایی و شجاعت بی‌مثال، نفوذ زیادی در دربار یافته بودند، توسط میرشمس‌الدین عراقی شیعه شدند و برای ترویج تشیع در کشمیر کمک زیادی به او کردند. (نقش چک‌ها در ترویج تشیع در کشمیر. (متو، ۱۳۸۸: شماره ۷، ۷۶)

دولت چک‌ها از سال (۹۶۱ق/۱۵۵۳م) آغاز شد و تا یعقوب چک (۹۹۴ق/۱۵۸۵م) به پایان رسید و در این مدت به نام‌های ذیل حکومت کردند:

۱. غازی چک از سال ۹۶۱ - ۹۷۰ق، مدت حکومت او ۸ سال و ۲ ماه و ۲۱ روز است.
۲. حسین چک از سال ۹۷۰ - ۹۷۸ق، به مدت ۶ سال و ۹ ماه و ۱۳ روز.
۳. علی چک از سال ۹۷۸ - ۹۸۷ق، به مدت ۸ سال و ۸ ماه و ۲۱ روز.
۴. یوسف چک از سال ۹۸۷ - ۹۸۸ق، به مدت یک سال و ۱ ماه و ۱۹ روز.
۵. سید مبارک ۹۸۸ - ۹۸۸ق، به مدت ۶ ماه و ۲ روز.
۶. لوه‌ر چک از سال ۹۸۸ - ۹۸۹ق، به مدت یک سال و ۱ ماه.
۷. یوسف چک بار دوم ۹۸۹ - ۹۹۳ق، به مدت ۳ سال و ۱۰ ماه و ۶ روز.
۸. یعقوب چک از سال ۹۹۳ - ۹۹۴ق، به مدت ۱ سال و ۱ ماه و ۱۹ روز حکومت کرد. (فوق، پیشین: ۴۶۲)

به یقین دوره چک‌ها را می‌توان دوره‌ی استثنایی در تاریخ شیعیان کشمیر نامید. در این دوره کارهای دینی و فرهنگی زیادی صورت گرفت؛ زیرا شیعیان در رأس سیاست بودند و اوضاع کشمیر نیز برای هر نوع فعالیت برای کشمیری‌ها به‌خصوص شیعیان مساعد بود و آنان از فرصت پیش آمده، خوب استفاده کردند و پایه‌های تشیع را مستحکم ساختند. در این دوره علوم پیش‌رفت کرد و شیعیان علاوه بر مدارس قدیم، مدرسه‌های جدیدی نیز بنا کردند که به‌صورت رایگان به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شد؛ مدارس چون: عروۃ‌الوثقی، تطهیرالجنان، ابوبرکات و ملارضی. حسین چک در کشمیر، دانشکده‌ای تاسیس کرد که در آن امکاناتی مانند خواب‌گاه و کتاب‌خانه وجود داشت. او درآمدهای منطقه «زینه پور» را برای تأمین هزینه‌های فارغ‌التحصیلان دانشکده اختصاص داد. (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۸۹) در زمان حکومت یوسف شاه، ملکه و خانم او حبه خاتون، سنگ بنای شعر کشمیری را گذاشت و طولی نکشید که روی آن، ساختمان عظیمی از شعر و ادب کشمیری بنا شد. (همدانی، بی‌تا: ۱۲۸)

در این دوره، فنون و هنر نیز به اوج خود رسید. پادشاهان چک، از سرپرستان و حامیان فنون و

هنر بودند. آنان برای گسترش هنر تلاش مستمر انجام می دادند. ادب، شعر و فن خوش نویسی در این دوره به اوج خود رسید و خط نستعلیق پیشرفت زیادی کرد. (ناصری، ۱۳۸۰: ۵۵) هنگامی که اکبرشاه کشمیر را فتح کرد، لقب زرین به او داد. این فن به شیعیان اختصاص داشت و شیعیان آثار خوب و ارزنده ای به وجود آوردند؛ (همدانی، بی تا: ۱۲۸) اما این فن بعد از این دوره، به سبب حوادث سیاسی و تحت تعقیب بودن شیعیان توسط حاکمان مغول و افغان، از بین رفت.

بعضی از حاکمان به ویژه یوسف چک و حسین چک، فرهنگ ساز بودند. یوسف از علوم و فنون مختلف آگاهی داشت. او به زبان کشمیری، فارسی و گاهی به زبان اردو شعر می گفت. چون خودش شاعر خوبی بود، شاعران، عالمان و موسیقی دانان را در دربار خود جای می داد و احترام خاصی برای آنان قائل بود و جوایز نفیسی به آنان اعطا می کرد. او خودش در فن موسیقی ماهر و استاد به حساب می آمد. (همدانی، بی تا: ۱۲۸) حسین چک نیز که طبق نقل تاریخ نویسان شایسته ترین فرد حاکم از طایفه چک بود، علاوه بر حاکم سیاسی، شخصیتی فرهنگی به شمار می آمد. او علاوه بر تأسیس مدارس در کشور، اهل قلم و هنرمندان را در پناه خود قرار داد. حسین تنها پادشاهی بود که کارهایش را برنامه ریزی کرده بود. او روزهای جمعه را به گفت و گو با ادیبان و محققان اختصاص می داد؛ شنبه را در صحبت کاهنان برهنه و بودایی می گذراند؛ یکشنبه را با صوفی ها صرف می کرد؛ دوشنبه با قاضی و مفتی های دربار می نشست؛ سه شنبه به شکار می رفت؛ چهارشنبه را با ارتش سپری می کرد و پنجشنبه را در مصاحبت موسیقی دانان و دوستان به سر می برد (حسن شاه، ۲۰۰۲م: ۳۷۲؛ ددَمری، بی تا: ۱۴۷)

زبان رسمی دربار چک ها فارسی بود که پیش از ایشان در کشمیر رواج یافته بود. ارتباط چک ها با دربار صفویه عامل مهمی در رواج این زبان بود. در زمان حسین شاه ادیبان و شاعرانی از ایران به کشمیر مهاجرت کردند و در آن جا شعر فارسی رواج یافت. این اشعار بیش تر در منقبت پیامبر اکرم (ص) و خاندان او و به سبک عراقی بود که نشانه نزدیکی به فرهنگ ایران است (حداد عادل، ۱۳۸۷: ۸۶) و با رسیدن چک ها به قدرت، تشیع در کشمیر گسترش یافت و حکومت چک خانقاه میر شمس الدین عراقی را باز سازی کرد. (همان، ۸۶)

۳.۴. نقش عالمان معاصر در گسترش تشیع

باید گفت: همه ی عالمان شیعه هرکدام به سهم خود در گسترش تشیع نقش مهم و تعیین کننده ای داشته اند و دستاورد امروز، ثمره چهارده قرن زحمات بی دریغ علمی و عملی و صدها سال تلاش، ایثار جان و مال و... برای روشن نگه داشتن مشعل هدایت توسط عالمان بزرگ شیعه بوده است.

عالم‌ان معاصر کشمیر چه از نجف اشرف فارغ‌التحصیل شدند یا از قم مقدس در حال حاضر مشغول نشر معارف اهل‌بیت^(ع) و قرآن در کشمیر هستند. اکثر عالمان جدید برای توسعه و گسترش شیعه امامیه در کشمیر، شب و روز تلاش فراوان می‌کنند و با وجود این که وضعیت کشمیر از جهت سیاسی بسیار بحرانی و دشوار است، اما آنان در مناطق مختلف وظیفه خویش را به نحو احسن دنبال می‌نمایند.

عالم‌ان معاصر برای گسترش اسلام و تشیع، مطابق تعلیم و سیره اهل‌بیت^(ع) با شاگردان برخورد می‌کردند و در زندگی آن‌ها رفتار و اخلاق ائمه اطهار^(ع) حاکم بود. همین اخلاق و منش، موجب جذب مردم و گسترش تشیع گردید. اکثر عالمان با تبیین نهضت امام حسین^(ع) یکی از بزرگ‌ترین عامل گسترش تشیع در طول تاریخ بوده‌اند؛ زیرا در هر مجلس امام حسین^(ع) به ذکر حق و باطل، عدل و انصاف، آزادی انسان، ظلم ستیزی و... و نیز بحث‌های مختلف درباره اسلام واقعی پرداخته می‌شود. از این جهت، در هر سال و در هر زمان و مکان، نهضت امام حسین^(ع) بیش از پیش موجب گسترش اسلام و تشیع می‌شود.

۴.۴. تأثیر انقلاب بر شیعیان کشمیر

کشمیر در شعر اقبال لاهوری و دیگران، «ایران صغیر» معرفی شده است و مردم آن‌جا به ایرانیان علاقه خاصی دارند، اما ایران صغیر بودن کشمیر، علت تاریخی دارد. دو هدیه از ایران به کشمیر رسیده است: نخست دین و دیگری فرهنگ. مرحوم قلبی حسین رضوی از فعالان فرهنگی کشمیر می‌گوید: «ما در بین سنی‌ها متهم به آتش پرستی هستیم، آن هم به علت گرمی داشتن نوروز. البته نوروزی که بین شیعیان کشمیر برگزار می‌شود در ایران برگزار نمی‌شود. فرقی فقط در این است، که نوروز ما هر سال در ۲۱ مارس برگزار می‌شود. در تقویم ایران آن تاریخ اول فروردین و آغاز سال نو است، ولی شیعیان کشمیر نمی‌دانند که این سال نو یعنی چه؟ رنگ مذهبی نوروز آن‌جا بیش‌تر مشهود است. در ذهن شیعیان این‌طور جای گرفته است که این ۲۱ مارس، همان تاریخ ۱۸ ذیحجه است که عید غدیر بوده است. از سوی دیگر، از لحاظ رنگ و نسل کشمیری‌ها بالاخص ساکنان وادی کشمیر، شبیه ایرانی‌ها هستند. از لحاظ دین و مذهب نیز بسیار به هم نزدیکیم. در نزد شیعه و سنی، ساداتی که از این‌جا رفتند مورد احترام هستند. بسیاری از سنی‌ها، از سادات هستند. فامیلی‌های کرمانی، سمنانی، گیلانی و...، زیادی داریم که اصالتاً ایرانی هستند. کل سادات کشمیر، بلا استثنا ایرانی هستند. از این لحاظ دین و فرهنگ، کشمیر به «ایران صغیر» معروف شده است». (ناصری، ۱۳۷۹: ۳۷)

یکی از مهم‌ترین تحولات در وضعیت شیعیان کشمیر وقوع انقلاب اسلامی در ایران است. مرحوم آقای قلبی حسین رضوی از فعالان فرهنگی کشمیر معتقد است: «آثار صدور انقلاب اسلامی ایران در دو نقطه مشهورتر است؛ نخست لبنان و دیگری کشمیر.» (رضوی، شماره ۴۲، ۴)

انقلاب اسلامی علاوه بر شیعیان، مسلمانان کشمیر را دل‌گرم کرد. مردم مظلوم کشمیر که تا آن زمان با مشکلات و مصایب فراوانی دست به گریبان بودند. انقلاب اسلامی، روح تازه‌ای به پیکرشان دمیده و سبب شد تا در میدان سیاست، حضور فعال‌تری داشته باشند. در بین شیعیان کشمیر دیدگاه‌های مرجعیت و نظرات ولایت فقیه، مورد احترام است و تعداد زیادی مقلد رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای (مدظله) هستند. عشق و علاقه شیعیان کشمیر به جمهوری اسلامی باعث شده است، که در اکثر راه‌های ورودی به مناطق شیعه نشین، تابلوهای بزرگ نصب شده که به تصاویر امام خمینی و امام خامنه‌ای مزین است. این تصاویر در اغلب حسینیه‌های شیعیان نیز به چشم می‌خورند. علاوه بر آن، چندین خیابان در مناطق شیعه نشین کشمیر به طور رسمی به نام امام خمینی^(۵) است.

نتیجه‌گیری

زمینه اصلی نفوذ اسلام در مناطق مختلف و راه‌یافتن در اذهان و قلوب ملیت‌ها و اقوام گوناگون، آموزه‌های متعالی آن است که با فطرت آدمی همسو بوده و مطابق نیازهای فطری آن‌هاست. از این‌رو، اگر موانعی وجود نداشته باشد و انسان‌ها، آزادانه و براساس فهم درست با این آیین مواجه گردد، غالباً مجذوب آن خواهند شد. سرزمین «کشمیر» از جمله نقاطی است که اسلام و تشیع امامی از طریق تسخیر دل‌ها در آن نفوذ کرده و گسترش یافته است. گرایش‌های معنوی و باطنی مردمان آن، زمینه‌ساز اصلی گرایش آنان به اسلام و شیعه امامیه بوده است. با این وجود و افزون بر ظرفیت‌های موجود، عوامل متعددی در ترویج و گسترش تشیع امامی نقش داشته است. اولین عامل اساسی، مهاجرت عالمان بزرگ و آراسته به اخلاق اسلامی (عمدتاً از ایران)، به این منطقه و فعالیت‌های آنان در جهت ترویج مذهب بوده است.

آراستگی به اخلاق دینی، تربیت شاگردان، تبلیغ در میان مردم و در برخی موارد تعامل با صوفیان، موجبات جذب مردم کشمیر به مذهب امامیه را فراهم کرده است. افزون بر آن، سلسله‌ای از حاکمان در این منطقه حکومت کرده اند که مذهب شان، تشیع امامی بوده است. این حاکمان نیز برای ترویج مذهب تلاش بسیاری نموده و از عالمان شیعی این مرز و بوم، حمایت کرده اند. در دهه‌های اخیر، طیف جدیدی از عالمان تربیت یافته در نجف و عمدتاً قم، به سرزمین خود بازگشته و خدمات علمی، فرهنگی، دینی و مذهبی شایانی ارائه کرده و اکنون نیز عالمان زیادی در این عرصه فعالیت دارند. البته پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تأثیر مهم در پیش‌رفت مذهب تشیع امامی در کشمیر داشته و عالمان بسیاری را از مردم این سرزمین در دامان خود پروراند است. امروزه، شیعیان کشمیر، جزو شیعیان وفادار به نظام جمهوری اسلامی بوده و علایق شدیدی به امامین انقلاب دارند.

منابع

قرآن

۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۲۲)، معجم مقایس اللغة، بیروت، دار الحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
۳. آفتاب اصغر (۱۹۹۲)، ارمغان کشمیر، [بی جا]، انتشارات فاران.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان ابن محمد (۱۳۵۲)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۸۴)، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارصادر.
۶. جواهر لعل نهرو (۱۳۸۳)، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه ی محمد تفضلی، تهران، امیرکبیر.
۷. تاپار، رومیلا (۱۳۸۶)، تاریخ هند، قم، نشر ادیان، چاپ اول.
۸. حسینی کشمیری، سیدمحسن [بی تا]، دانش نامه شیعیان کشمیر، مرکز احیاء آثار بر صغیر (شیعه کراچی)، چاپ اول.
۹. حسین، الطاف (۱۳۷۲)، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه ی فریدون دولت شاهی، تهران، موسسه اطلاعات، چاپ اول.
۱۰. حسن شاه (۲۰۰۲م)، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، ترجمه، احمد شمس الدین، جامع ایند، کشمیر آکادمی آف آرٹ کلچر ایند، لینگویجز، سرینگر.
۱۱. حداد عادل، غلام علی (۱۳۸۷)، دانش نامه جهان اسلام، تهران، چاپ اول.
۱۲. ددَمری، محمداعظم [بی تا]، واقعیات کشمیر، ترجمه احمد شمس الدین، جامو ایند کشمیر اسلامیک سنتر سرینگر کشمیر.
۱۳. رادفر ابوالقاسم (۱۳۸۵)، کشمیر ایران صغیر، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ اول.
۱۴. رضوی، سیداطهرحسین (۱۳۷۶)، شیعه در هند، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۹۹۵ / ۱۴۱۵)، الملل والنحل، بیروت، دارالمعرفة.
۱۶. ظفر، سیده اشرف (۲۰۰۷م)، میر سیدعلی همدانی، مدینه چوک، گاو کدل سرینگر، کشمیر.
۱۷. کشمیری، محمدعلی، تحفة الاحباب، ترجمه ی محمدرضا آخوندزاده، شاه ایند سنزفچیتر جی رود اردو بازار لاهور.
۱۸. گلزار متو، غلام محمد (۱۳۸۹)، تاریخ شیعیان کشمیر، اداره امام زمان (عج) محله مقدم پوره شالن.

۱۹. مفید، محمدبن محمدبن عمان (۱۳۷۰ق / ۱۳۳۰)، اوائل الوقالات فی المذاهب والمختارات، با مقدمه شیخ الاسلام زنجانی، قم، مکتبه الداوری افسست از چاپ دوم تبریز، واعظ چرندابی.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد مقری (۱۴۰۵ق)، المصباح المنیر، چاپ اول، قم، ناشر، دار الهجره.
۲۱. فوق، محمدالدین (۲۰۱۴)، مکمل تاریخ کشمیر، محقق: محمد بابر جاوید، دهلی، فرید بکدیو (پرائوتیت) لمیتد.
۲۲. _____ (۲۰۰۲)، تاریخ اقوام کشمیر، گلشن پبلشرز، مدینه چوک، گاو کدل سرینگر کشمیر.
۲۳. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۲۴. همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، امام حسین ریسرچ اپند پبلشنگ سنتر سرینگر کشمیر.
۲۵. مجهول المؤلف (۱۹۸۲م)، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، انجمن شرعی شیعیان، جامو و کشمیر.
۲۶. ریاض، محمد (۱۳۷۰)، احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی.
۲۷. مظفر، علامه محمدحسین (۱۳۸۴)، تاریخ شیعه، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. متو، غلام محمد (۱۳۷۷)، نقش چک‌ها در ترویج تشیع در کشمیر، سخن تاریخ، سال سوم، شماره هفتم.
۲۹. موسوی، سید محمدباقر، اختر درخشان، اکرم حسین پریس پرهالا گهات بنارس هند.
۳۰. ناصری، حمیدرضا (۱۳۷۹)، کشمیر، حال، گذشته، آینده، موسسه نشر تحقیقات ذکر، چاپ اول.